



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج - 26 / بهمن / 1378

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه برادران محترم و خواهران گرامی خوشامد می گویم و از همه شما دست اندرکاران فریضه عظیم حج تشکر می کنم. امیدوارم خدای متعال توفیق دهد که امسال هم مثل سالهای پیش - بلکه بهتر از سالهای پیش - این واجب بزرگ، در موسم خود و با شرایط و حدود خود، ان شاءالله اقامه شود و مردم ما بتوانند معنا و مفهوم الهی و اجتماعی و سیاسی حج را در وجود خودشان حس کنند و آن را در فضای دنیای اسلام مجسم نمایند.

حج از یک طرف مظهر معنویت است - ارتباط با خدا، آشنا شدن دل با آیات الهی و نزدیک شدن هرچه بیشتر انسان به خدا - از یک طرف مظهر وحدت است - یکپارچگی امت اسلام، برداشتن دیوارها و حجابها و پُر کردن درّه ها و شکافهایی که یا به دست دشمن، یا به وسیله تعصبات و اوهام به وجود آمده است، و نیز ایجاد قدمی به سوی امت واحد اسلامی است - و از طرف دیگر مظهر برائت از دشمنان خدا، برائت از مشرکین و ایادی شرک و کفر است. اگر ان شاءالله این سه جهت در حج متجسد و مجسم شود، حج فایده خود را بخشیده است. اول، شما و حاجی هستید که از حج بهره می برید. در مرتبه دوم، دنیای اسلام و جامعه اسلامی و امت اسلامی است که این بهره را می برد. یکی از خصوصیات حج این است که فضا را معنوی می کند. الان فضای کشور به برکت نزدیکی ایام حج و با رفتن حجاج، در شرف معنویت شدن است. وقتی حجاج برمی گردند، باز باری از معنویت با خود می آورند؛ یعنی سوغات روحیه و معنویت. هر وقت سخن از حج است، معنویت پراکنده می شود. باید این طور باشد.

من امروز به مناسبت این که کشور و ملت ما بحمدالله بعد از بیست و دوم بهمن و آن آزمایش بزرگ الهی، و قبل از انتخابات قرار دارند، لازم است این را عرض کنم که فضای معنوی برای همه چیز یک کشور مفید است. فقط مسأله گرایش به آخرت و معنویات نیست. فضای معنوی، حتی برای اداره دنیای یک کشور هم مفید است و این به برکت انقلاب در کشور ما به وجود آمد و امروز فضای کشور ما تا حدود زیادی مشحون از معنویت است. لذا شما می بینید وقتی که جای حضور مردم می رسد، توده های مردم چطور با روحیه و با شادابی، قدم در میدان می گذارند! چه چیزی انگیزه ی مردم است، جز همان عامل معنوی؟ من همین جا لازم می دانم از ملت عزیزمان به خاطر شکوهی که در بیست و دوم بهمن امسال آفرید، تشکر کنم. اینها خیلی مهم است.

در همان حالی که تمام مراکز تبلیغاتی دشمن با تمام قوا سعی می کنند مردم را با گذشته خودشان و با انقلابشان بیگانه کنند، از امامشان جدا کنند، یاد امام را به فراموشی بسپارند و سعی کنند به خیال خودشان ارزشهای جدیدی را خلق کنند و میان مردم بیندازند، وقتی بیست و دوم بهمن می رسد، شما می بینید که در تهران و شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک و حتی در نقاط دوردست و بسیاری از روستاها، مردم بیرون می آیند؛ نه کسی از آنها دعوتی می کند، و نه یک عامل مادی وجود دارد؛ اما مردم می آیند. این همان عامل معنوی است.

من عرض کنم طراحان و کمین گرفتگانی که منتظرند از ملت ایران نشانه ای بروز کند که آنها امیدوار شوند مردم با انقلاب میانه ای ندارند و از انقلاب جدا شده اند - که واقعا کمین هم گرفته اند - دچار تناقضند! از یک طرف بعضی از اظهارات و بعضی از تیترهای روزنامه ها را نگاه می کنند، که نشانه این است که همه معنویات در این کشور از بین رفته است؛ دیگر از انقلاب و از امام خبری نیست و همه چیز به دست فراموشی سپرده شده است؛ اینها خوشحال می شوند و خیال می کنند که همین طور است؛ اما بعد نوبت حضور مردم که می رسد - مثل روز بیست و دوم بهمن - ناگهان با سیل عظیم مردمی، با شعار اسلام، با شعار انقلاب، با یاد امام، با بزرگداشت خاطره های پُرشکوه گذشته مواجه می شوند! اینها دچار تناقضند و نمی دانند که چه کنند؛ لذا در طراحیهایشان دائماً در حال رفت و برگشت و تردّدند!



ملت ایران توانسته است با قدرت خود، دشمن خود را گیج کند. به اظهاراتشان نگاه نکنید؛ اظهاراتی که گاهی از روی اقتدار حرفی می‌زنند که ممکن است بعضیها را مرعوب کند. حقیقت قضیه غیر از این است. ملت زنده است؛ ملت مؤمن است؛ دلها با اسلام است؛ دلها با امام است. تا امروز هیچ قدرتی نتوانسته است دل‌های مردم را از محبت امام و یاد امام و تعظیم و تجلیل شهدا، شهادت و ارزشهای انقلاب خالی کند. انتخابات هم همین طور است. من لازم می‌دانم به این مناسبت، راجع به انتخابات، دو، سه جمله ای عرض کنم:

انتخابات، فقط یک پدیده سیاسی نیست. انتخابات، مظهر حضور مردم، مظهر احقاق حق و مظهر توانایی و اقتدار ملی برای یک کشور است. امروز در دنیا - چه در کشور ما و چه در هر جای دیگر - روی این حساب می‌شود که چند درصد از کسانی که می‌توانستند رأی بدهند، در یک انتخابات شرکت کردند و رأی دادند. از نظر مردم دنیا و تحلیلگران و سیاستگذاران عالم، آن نظامی مستحکم است که تعداد بیشتری از مردمش در هنگام انتخابات پای صندوقها بیایند و رأی بدهند. این نشانه استحکام یک نظام است؛ که بحمدالله ما این را در انتخاباتهای گوناگونی که در این سالهای متوالی داشته ایم، همیشه نشان داده ایم و مردم حضور قوی ای داشته اند. هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیایند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی‌خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته به احقاق و استنقاذ این حق است؛ این تکلیف است؛ باید همه شرکت کنند. نظام جمهوری اسلامی توانسته است این حق را در اختیار مردم بگذارد؛ اما در گذشته ما این حق را نداشتیم. در نظامهای گذشته، مردم از استفاده از چنین حقی محروم بودند. نظام جمهوری اسلامی این حق را داده است؛ باید مردم بروند و استنقاذ کنند. گاهی یک رأی هم مؤثر است؛ هیچکس نگوید رأی من تنها چه تأثیری دارد. گاهی یک رأی یا چند رأی، در سرنوشت یک کشور اثر می‌گذارد. شما می‌توانید با رأی دادن خودتان، شخص مؤمن صالح را به مجلس بفرستید. آن کسی که به مجلس رفت، در هنگامه حساس - آن جایی که رأی یک نماینده می‌تواند سرنوشت کشور یا یک قشر، یا سرنوشت اقتصاد را معین کند - رأی او کارساز خواهد بود. لذا هیچ وقت کسی نگوید که رأی من چه تأثیری دارد. مهم این است که در روز انتخابات، ان شاءالله همه مردم - زن و مرد، پیر و جوان و هرکس که از لحاظ قانونی می‌تواند رأی بدهد - بروند و رأی بدهند و انتخابات را پُرشور و پُررونق کنند. هرکس که به نظام اسلامی علاقه دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. هرکس که به سربلندی نظام جمهوری اسلامی علاقه ای دارد، در این انتخابات شرکت خواهد کرد. پیش بینی من این است: آن چنان که ما از این ملت بزرگ و آگاه و هوشمند تاکنون حضور در همه صحنه‌ها را دیده ایم، ان شاءالله در این انتخابات هم پُرشور و با علاقه شرکت می‌کند و حضور خودش را اعلام خواهد کرد و در واقع طرفداری اش را از اسلام و نظام اسلامی نشان خواهد داد.

نکته دوم این است که انتخابات باید در فضای آرام و با صفا انجام گیرد و دور از تشنج و درگیری و فضای نفرت باشد. بدیهی است که در همه جا نامزدهای گوناگونی با آراء و عقاید و سلیق مختلف هستند و مردم هم نگاه می‌کنند و ان شاءالله با شناسایی و با تدبیر انتخاب می‌کنند و رأی خواهند داد. این کار باید در فضای آرام انجام گیرد. این افتخار ماست. ما چند روز قبل از این، بیست و یکمین سالگرد انقلاب را جشن گرفتیم و چند روز بعد نیز بیست و یکمین انتخابات را در کشورمان برگزار خواهیم کرد. این چیز کمی نیست؛ چیز خیلی مهمی است. حال، دیگران بنشینند و برای ملت ما غصه بخورند که این کشور باید به طرف دمکراسی برود! دمکراسی چیست؟ اگر منظور از دمکراسی، همین حضور و دخالت و شرکت و انتخاب مردم است، بفرمایید؛ کجای دنیا چنین چیزی را سراغ دارید؟! آن کسانی که با پول و قدرت سیاسی امریکاییها سالها بر این مملکت حکومت کردند و همه چیز این مملکت را به



باد دادند، آیا یک بار توفیق یافتند که چنین انتخاباتی را در سرتاسر این کشور به وجود آورند؟! بیست و یک انتخابات، در بیست و یک سال؛ این شوخی است؟! در تمام این آزمایشهای بیست و یک گانه، فضای این کشور تا امروز این طور بوده است؛ فضای آرام، فضای صمیمی. البته بعضیها تبلیغ می کنند و حرف می زنند. فضای خشونت سیاسی و تشنج سیاسی و نفرت، به حال انتخابات مضر است. یک عده را از عرصه حضور در انتخابات بیزار می کند؛ یک عده را دچار تردید می نماید، دلها را می میراند و امیدها را می کاهد. من می بینم متأسفانه بعضیها با اظهارات خود در برخی از این نوشتجاتی که منتشر می شود، سعی می کنند فضای نفرت را بر جامعه حاکم کنند. این یکی به جناح چپ بد می گوید، آن یکی به جناح راست بد می گوید؛ اینها کجا می روند؟! کجا می روید و چه می خواهید؟! چیست این تعبیراتی که ساخته اند و غالباً هم اینها را دشمن در دهانشان گذاشته و پرتاب کرده و یک عده آدم غافل - حالا نمی گوییم مغرض؛ اما بعضیشان هم قطعاً مغرضند - همینها را گرفته اند و مرتب لب می جنبانند و این حرفها را تکرار می کنند؟! چپ و راست چیست؟! این ملت، ملت مسلمان و مؤمن و یکپارچه ای است. آحاد این ملت، با هم این انقلاب را به وجود آوردند؛ با هم بیست و یک سال این نظام را حفظ کردند؛ با هم یک خطر بزرگ را در طول هشت سال جنگی که بر ما تحمیل شده بود، دفع کردند. بنابراین ملت باهمند؛ این دیوار کشیها چیست؟! یک عده با نامی در گوشه ای، یک عده با نامی دیگر در گوشه دیگری، همین طور مردم را تکه تکه می کنند. البته مردم هم نشان داده اند که به این حرفها اعتنایی ندارند؛ این هم معلوم است. مردم راه خودشان را می روند، کار خودشان را می کنند؛ حالا هم آنها بروند و کار خودشان را بکنند.

باید فضا، فضای آرامی باشد. بعضیها با اصرار بر این که قرار است خشونت و تشنج شود، ذهنها را دچار تشنج می کنند؛ نه، مردم چنین قراری ندارند. من عرض می کنم، این دو، سه روزی که از حالا تا پایان رأی گیری باقی مانده است - که شاید بعد به مرحله دوم هم کشیده شود - در تمام مدت، مردم عزیز ما و بخصوص جوانان، احساساتشان را کنترل و با عقلشان کار کنند؛ با دو چشم باز نگاه کنند و انتخاب نمایند. البته سلیقه هم زیاد است؛ همه گونه سلیقه وجود دارد؛ تا به حال هم همین طور بوده است. هرکسی طبق سلیقه خود عمل کند؛ منتها همه توجه کنند که این انتخابی که ما می کنیم، یک جا می بایست جواب آن را بدهیم. این طور نیست که بگوییم حالا ما یا اصلاً انتخاب نمی کنیم، یا انتخاب می کنیم و کسی چه می فهمد! بله؛ مردم نمی فهمند که ما چه انتخاب کردیم؛ اما خدای متعال که تشخیص می دهد. ما باید جواب او را بدهیم. ما باید محاسبه کنیم، تحقیق کنیم، بررسی کنیم و معیارها را ملاحظه نماییم، تا بتوانیم به خداوند پاسخ دهیم. اگر انسان نمی تواند، از اشخاصی که مورد اعتماد هستند، از کسانی که انسان می تواند در مسائل مهم - در مسائلی که باید به خدا جواب داد - به آنها اعتماد کند، استفسار نماید؛ اشکالی هم ندارد. بنابراین، باید فضا را، فضای آرامی قرار دهند و همه مراقب باشند. من به این کسانی که همین طور یک گوشه نشسته اند و فضا را با تشنج سیاسی و با پُر کردن از موهومات و شایعات، خراب می کنند، نصیحت می کنم که دست از جان مردم بردارند؛ بگذارند مردم کار خودشان را بکنند. نتیجه انتخابات هم هرچه بشود، همه قبول دارند. کسی از آحاد مردم و از مسؤولان کشور نخواهد گفت چرا نتیجه انتخابات این شد، یا این نشد؛ نه، آن آراء مردم است. بحمدالله در این کشور قانون محکم است و معیار واضح قانون در مقابل چشم همه هست.

نکته بعدی هم این است که مجلس باید مجلسی باشد که بتواند در مقابل زورگوییها و زیاده خواهیها و مرعوب کردنها و تطمیع کردنهای قدرتمندان جهانی بایستد و مصالح کشور و ملت را محاسبه کند و دنبال آن برود. امام رضوان الله علیه بارها اسم «مدرّس» را می آوردند. مگر خصوصیت مدرّس چه بود؟ از مدرّس عالمتر هم داشتیم. مدرّس خصوصیت عمده اش این بود که هیچ عامل ارباب و تهدید و تطمیع و فریبگری در او اثر نمی کرد. همان وقتی که علی الظاهر فضا را بر ضدّ او آن چنان متشنج کرده بودند که علیش شعار می دادند، او ایستاد و حرف



خودش را زد. این خصوصیت یک نماینده خوب در مجلس است. بعضیها زود مرعوب می شوند! من بارها عرض کرده ام که قدرتهای استکباری - یعنی همین قدرتهای سلطه گر جهانی - که مرتب روی این کشور و آن کشور دست می اندازند و دولتها و ملتها را زیر یوغ خودش می کشانند، عمده کارشان از ترساندن می گذرد. قدرت واقعیشان آن قدر نیست که بر زبان می آورند. بدیهی است این همه که اینها با این انقلاب و با این کشور بدند، اگر قدرت داشتند، تاکنون این انقلاب این طور رشد نمی کرد و این گونه نمی ماند. آیا این خود دلیل نیست که سلطه گران امریکا و صهیونیستهای عالم، آن چنان که ادعا می کنند، قدرت ندارند؟! اینها عمده کارشان را از راه تهدید و مرعوب کردن پیش می برند. نماینده باید کسی باشد که مرعوب نشود. چه کسی مرعوب نمی شود؟ آدمی که دلش به خدا متکی باشد. وقتی انسان به خدا متوکل بود، از هیچ کس مرعوب نمی شود. ما یک نمونه زنده کسانی را که مرعوب نمی شوند در زمان خودمان دیدیم - یعنی امام (ره) - و هزاران نمونه دیگر را در میدان جنگ و در میدانهای سیاست ملاحظه کردیم. این جوانان مؤمن و پاکباخته، از خدا ترسیدند؛ از هیچ کس غیر خدا نترسیدند: «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل». در گوشه و کنار، افراد و رادیوها و عوامل دشمن، مرتب به اینها می گفتند: علیه شما توطئه می کنند؛ بناست ضربه بزنند؛ بناست چنین کنند؛ بناست چنان کنند؛ برای این که اینها را بترسانند؛ اما اینها گفتند نه. ایمانشان بیشتر شد؛ گفتند: «حسبنا الله و نعم الوكيل»؛ خدا ما را کافی است؛ ما به خدا اعتماد داریم و به او اطمینان می کنیم. آن وقت خدای متعال می فرماید: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم يمسسهم سوء». بله؛ وقتی کسی به خدا اتکا کند، این گونه است. آن کسانی که دوران جنگ را دیدند و در آن صحنه ها بودند، می دانند که من چه می گویم. تمام قدرتهای مسلح عالم، دست به دست هم دادند برای این که بتوانند یک وجب از خاک این کشور را بگیرند؛ بتوانند بگویند مرز ایران از این نقطه چند کیلومتر عقب آمد؛ اما نتوانستند. این ملت در مقابلشان ایستاد؛ لذا نتوانستند. خدا کمک می کند و نمی گذارد دشمن غلبه پیدا کند. مرعوب شدن، صفت خیلی بدی است. حالا یک وقت انسان در خانه خودش نشسته است و مرعوب می شود - این یک نفر آدم است - اما یک وقت انسان در مسند مسؤولیتی نشسته است - در مجلس است، در دولت است - او اگر مرعوب شد، واویلاست! مرعوب شدن او، یعنی از دست دادن بسیاری از امکانات این ملت! نماینده نباید مرعوب شود.

از طرف دیگر، نماینده نباید مفتون هم بشود. بعضیها مفتون و فریفته می شوند و دهنشان باز می ماند! اینها آدمهای ساده لوحی هستند که راه حل‌های خیالی اقتصادی یا سیاسی یا امنیتی ای که با آب و تاب تمام و با رنگ و لعاب گوناگون عرضه می شود، آنها را از خود بی خود می کند! سالها تجربه می کنند؛ اما آخرش خود و دیگران را به خاک سیاه می نشانند! بنابراین، مفتون هم نباید بشوند؛ بلکه به دنبال راه حل صحیح، راه حل مستقل، راه حل برخاسته از شرایط خاص این ملت و این کشور و راه حل ارائه شده از سوی اسلام باشند. اسلام در همه مسائل، همه راه حلها را داده است؛ ما باید خودمان برویم و پیدا کنیم. اگر ما کج می فهمیم، اگر ما بد می فهمیم، اگر ما دنبالش نمی رویم و نمی رسیم، تقصیر اسلام نیست؛ خودمان را باید اصلاح کنیم.

نماینده، طمع ورز هم نباید باشد. بعضیها دهانشان که به اندک چیزی از طرف دشمن شیرین شد، همه چیز را از دست می دهند! اگر بخواهید نماینده ای مرعوب نشود، مفتون نشود، دچار طمع نشود، سراغ آدم امین و متدین بروید. معروف است آدمهایی که خودشان هم امین نیستند، وقتی بخواهند مالشان را نگهدارند، دست یک آدم امین می دهند! امانت، یک ارزش است. ممکن است انسان متدین یک وقت اشتباه هم بکند؛ اما وقتی که فهمید اشتباه کرده، برمی گردد. این خیلی ارزش است. اینها مثل آن کسانی نیستند که اگر اشتباه می کنند، پا روی لغزشگاه می گذارند و به طرف جهنم می لغزند؛ وقتی هم فهمیدند، سرحرفشان می ایستند که نخیر، همین است و تا آن اعماق می روند! پس، انتخاب نماینده مهم است.



البته تبلیغات هست. متأسفانه این روشهای غربی در خیلی از چیزهای زندگی - از جمله در تبلیغات - غالباً به ضرر ملت‌هاست؛ خودشان هم حالا در آن مراکز به این تبلیغات خیلی اعتنا نمی‌کنند. در یکی از این انتخابات‌های اخیر کشور آمریکا - با این که این همه هم تبلیغات انجام می‌شود - گفتند سی و چند درصد از مردم شرکت کردند! خود آنها از این تبلیغات زده شده‌اند؛ اما حالا بعضیها همان سوغاتی را به این جا آورده‌اند و برای پُر کردن چشم مردم، تبلیغات سبک آنها را انجام می‌دهند! این تبلیغات ارزشی ندارد. بایستی نگاه کرد، تحقیق کرد، از انسان‌های صالح جستجو و پُرسجو کرد و به یک شخص رسید؛ هرکس بود، دیگر فرقی نمی‌کند. اگر شما تحقیق کردید، ولو اشتباه هم کرده باشید، خدای متعال اجر خواهد داد؛ خدای متعال مؤاخذه نخواهد کرد. باید تحقیق کرد و این کار را به بهترین وجهی انجام داد. این آزمایش بزرگ ملت و دولت و دست اندرکاران است.

باز همین اخیراً بعضی از این حضرات امریکاییها لحن جنابانه‌اند و راجع به انتخابات حرف زده‌اند. یکی گفته است که ما با دقت نگاه می‌کنیم و امیدواریم که فلان طور آدمها به مجلس بیایند! مردم باید توی دهان اینها بزنند. آن یکی گفته است که ما مسأله ردصلاحیت شدگان را تعقیب می‌کنیم! مسؤولان کشور خیلی باید چشمشان باز باشد. چه اتفاقی می‌افتد که دشمنان - اینهایی که قطعاً دشمن ملت ایران و دشمن مصالح ایرانند و می‌خواهند سلطه خودشان را مجدداً بر این کشور مستقر کنند - از این که کسی صلاحیتش رد شده یا نشده، نگران می‌شوند؟ آیا این نشانه آن نیست که آنچه که به عنوان ردصلاحیت در مراکز قانونی انجام می‌گیرد، آن چیزی است که درست با منافع قدرتمندان و سلطه‌گران اصطکاک دارد؟ بعضی از کسانی که نمی‌فهمند چه می‌گویند و حرف‌هایشان را ملتفت نیستند، قدری بیشتر باید دقت کنند.

دشمن دهان را باز کرده است. یک روز این کشور با همه امکاناتش در اختیار آمریکا و عوامل آمریکا بود. انقلاب آمد، مسأله را به کُلی دگرگون کرد؛ ملت را مستقل کرد، کشور را مستقل کرد، منابع کشور را مستقل کرد. اینها کمین گرفته‌اند و سینه خوابانده‌اند، تا بلکه بتوانند مجدداً کشور و منافع کشور و موارد حیاتی کشور و این ملت را در کام خودشان بگیرند. ملت باید بیدار باشد؛ و بیدار است. به فضل الهی، حضور مردم در انتخابات و انتخاب خوبی که این مردم خواهند کرد، یک بار دیگر آمریکا و مستکبران و مراکز صهیونیستی را - در هر جای دنیا که هستند - ناکام خواهد کرد.

امیدواریم که خداوند متعال شما را در این کاری که شروع کرده‌اید - خدمتگزاری به فریضه بزرگ حج - موفق بدارد؛ ان شاء الله حجّ شما را حجّ مقبولی قرار دهد؛ این زحماتی را که در این راه می‌کشید، زحمات مقبول و مشکوری قرار دهد و بتوانید - چه در رفتنتان، چه در آن جا و چه در بازگشت حُجّاج - فضایی معنوی کشور را هرچه بیشتر رنگینتر کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته